

با حکیم عمر خیامی در نوروز...

نوشته عبدالرفیع حقیقت

«نوروز» همچنان که بسیاری نام‌ها و رسوم‌ها و رویدادها را تداعی می‌کند، باید یادآور نام حکیم عمر خیامی - که در افواه به حکیم عمر خیام شده است - نیز باشد. زیرا علاوه بر آنکه وی رساله‌ای در مورد پیدایش جشن نوروز، واضح آن و آداب و سنن نوروزی نگاشته، سرپرستی گروهی از دانشمندی را برعهده داشته که زمان دقیق حلول سال شمسی در تقویم فارسی و آغاز جشن‌های نوروزی را تعیین کرده‌اند.

بیش از آن، به دلیل دقیق نبودن نگاه‌شماری، زمان برگزاری جشن‌های نوروز تغییر و به فصول مختلف سال نقل مکان می‌کرد. اما از سال ۴۵۸ هجری خورشیدی، به شرحی که خواهد آمد، حکیم عمر خیام و همکاران وی چنان تقویم دقیقی را تنظیم کردند که دیگر هرگز اشتباهات گذشته تکرار نشد و تاکنون جشن‌های نوروز و سال نو در ثانیه و دقیقه معنی که همگان از آن آگاهیم آغاز می‌شود. خیام علاوه بر نجوم، ریاضی و فلسفه در شعر نیز دستی توانا و قریحه‌ای خلاق داشته است و می‌توان گفت در زمانه خود در بسیاری علوم، علامه و سرآمد دانشمندان بوده است.

به دلیل مقام بالای علمی و ادبی این دانشمند فرزانه قرار است در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ (تقریباً دو ماه دیگر) کنگره بزرگداشتی در نیشابور که آرامگاه ابدی وی در آن است، تشکیل شود.

تشکیل آن کنگره آغاز سال نو و شروع جشن‌های نوروز سال ۱۳۷۹ فرصتی مناسب و معتنم فراهم آورده است تا زندگی و کارهای این فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم و شاعر بزرگ ایرانی را که کارهای علمی و اندیشه‌هایش بر زندگی انسان‌ها اثری ژرف گذاشته است، مرور کنیم.

ابوالفتح و به قولی ابوخص غیاث‌الدین عمر بن ابراهیم نیشابوری معروف به حکیم عمر خیامی، حکیم و ریاضیدان و شاعر نامی ایران در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری می‌زیسته است. این دانشمند کم‌نظیر ایرانی در بین سال‌های ۴۳۰ تا ۴۴۰ هجری در نیشابور یا حوالی آن متولد شد. وی یکی

از بزرگ‌ترین ریاضیدانان و منجمان دوران اسلامی است و رساله جبر او یکی از برجسته‌ترین آثار قرون وسطایی در این علم شناخته شده است.

موجب این روایت‌ها، وی در کودکی با خواجه نظام‌الملک طوسی و حسن صباح هم‌شاگرد بوده است و این خبر بنا به دلیل‌های ارائه شده در تاریخ نهضت‌های ملی ایران تألیف نگارنده (۱) درست نیست. قدیم‌ترین مأخذی که ذکر او در آنها آمده است، غیر از یک نامه منسوب به سنایی غزنوی، کتاب میزان‌الحکمه عبدالرحمن خازنی و چهار مقاله نظامی عروضی و تمه صوان‌الحکمه ابوالحسن بیهقی است.

خیام بنا به مشهور در عراق و خراسان سفر کرد و غالباً به تدریس حکمت و مطالعه در علوم ریاضی اشتغال داشت. خیام در علم پزشکی نیز دست داشته است و سلطان سنجر پسر ملکشاه را که به بیماری آبسه دچار شده بود درمان کرده است. از جمله آثار خیام رساله‌ای در جبر و مقاله و رساله‌ای به نام «فی شرح ما اشکن من مصادرات اقلیدس» و هم‌چنین مختصری در طبیعیات و رساله‌ای در وجود و رساله‌ای در کون و تکلیف است.

در تذکره‌ها چند رساله دیگر به او نسبت داده‌اند و از آن جمله است نوزنامه که در صحت انتساب آن بدو تردید کرده‌اند و

غیر از اینها چند شعر عربی و تعدادی رباعی فارسی است.

شهرت عمده این عالم حکیم بزرگ به واسطه رباعی‌های حکیمانه اوست که در سراسر جهان شهرت دارد و به بیشتر زبان‌های دنیا از جمله فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، عربی، ترکی و ارمنی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. از جمله این چاپ‌ها می‌توان چاپ ژکوفسکی



آرامگاه حکیم عمر خیام (خیامی) در نیشابور

در مشرق زمین به واسطه سهم عمده‌ای که در اصلاح سال و ماه برای وی قایل بودند شهرت داشت و در اروپا به سبب ترجمه انگلیسی رباعی‌های او توسط فیتز جرالدر سال ۱۸۵۹ میلادی شهرت یافت. سبب شهرت او به خیام درست معلوم نیست و احتمال داده‌اند که پدرش خیمه‌دوز بوده است. تفصیل زندگی او نیز با روایت‌های افسانه‌آمیز مخلوط گشته است. به

و چاپ آربری را نام برد.

در هر صورت هر چند شهرت بخل او در تعلیم به ظاهر اساسی ندارد، اما محقق است که وی پرگویی را دوست نمی داشته زیرا نه به تألیف کتاب های مفصل پرداخته و نه شاگردان معروفی دارد، حتی رباعی های بدیع و لطیف فارسی و مشهور خود را زیاد نگفته و احتمال دارد که به سبب اشتغال به علم و حکمت تا حدی شاعری را درون شأن خود می دانسته و آن رباعی ها را هم به عنوان یک نفر شاعر نسروده است، با توجه به اینکه در قدیم نیز شهرت او به فن شاعری نبوده است. چنانکه معاصر وی نظامی عروضی سمرقندی با آنکه به وی ارادت داشته و از او به احترام و تقدم در علم نجوم نام برده است از شاعری او سخن نمی گوید، در حالی که اگر خیام را رباعی های مشهور بود یا به شاعری شهرت داشت به طور حتم باید نظامی این موضوع را فرو نمی گذارد.

باری در باب رباعی های منسوب به خیام و اینکه چه مقدار از این رباعی ها از اوست و چه مقدار به نام اوست بین محققان قرن حاضر اختلاف است، تا آنجا که تنی چند، انتساب این رباعی ها را به حکیم عمر خیام منکر شده اند و خیام ریاضیدان و خیام شاعر را دو تن پنداشته اند، اما برخلاف این تصور، از قدیم ترین مأخذها که در آنها از رباعی های خیام ذکر کرده است تاریخ الحکماء شهرزوری و مرصادالعباد نجم الدین رازی است و پس از آن جهانگشای جوینی و تاریخ گزیده و مونس الاحرار را می توان نام برد، اگرچه در کتاب های قدیم هم اشاره هایی به شعر فارسی او هست. از رباعی های خیام که آن همه باعث شهرت او شده تاکنون نسخه جامع و کامل موثقی در دست نیست و بسیاری از آنچه بدو منسوب می باشد مجهول و منحول است و به این جهت در تعداد واقعی رباعی های او جای بحث است. از قرن نهم و دهم هجری تعداد این رباعی ها در نسخه های مختلف روبه فزونی نهاده است و به جهت های مختلف هر رباعی مجهول القائلی را که مضمونش با بعضی سخنان خیام مناسبت داشته به او نسبت داده اند، چندان که تعداد رباعیات منسوب به او در مجموع مأخذهای نسبتاً قدیم به سیصد رباعی نمی رسد رفته رفته از هزار نیز تجاوز می کند.

مضمون عمده رباعی های او شک و حیرت و توجه به مرگ و فنا و تذکار اغتمام عمر است و از بعضی جهت ها افکار او با افکار ابوالعلاء معری شاعر عرب در قرن پنجم هجری شباهت دارد و این

خیام پیش بینی کرده بود پس از مرگ، مدفن او در جایی خواهد بود که هر بهار با فرشی از شکوفه های بهاری پوشانده خواهد شد. این پیش بینی به حقیقت پیوست.

موارد شباهت نیز قابل توجه است.

در حاشیه های چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی درباره خیامی (خیام) به قلم میرزا محمدخان قزوینی چنین آمده است:

«خواجه امام عمر خیامی ابوالفتح بن ابراهیم الخیامی «الخیام» النیشابوری از مشاهیر حکماء و ریاضیین او آخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری و یکی از مفاخر بزرگ ایران است، ولی شهرت فوق العاده ای که در بلاد شرق و در این اواخر در اروپا و آمریکا به هم رسانیده همانا بیشتر فقط به واسطه رباعیات حکمت آمیزی است که در اوقات فراغت و تفریح خاطر، این دانشمند می سرود و سایر فضایل و مناقب او تحت الشعاع شعر مستور مانده است.»

با توجه به تحقیقات جامع پرفسور ادوارد براون انگلیسی معلوم می شود که لقب او در غالب کتاب های عربی متضمن ترجمه حال اوست و همچنین در صدر رساله جبر مقابله او خیامی است با یاء نسبت و در غالب کتاب های فارسی و در رباعیات خود او، همیشه خیام بدون یاء نسبت آمده پس هر دو شکل صحیح است و صحت هر کدام باعث بطلان دیگری نیست و اختلاف تعبیر بر

حسب اختلاف زبان عربی و فارسی است. کتاب هایی که در آنها ذکر از عمر خیام یا خیامی شده است خواه متضمن ترجمه حال او بوده یا فقط اشاره ای به نام او شده بر حسب ترتیب زمانی از قرار ذیل است:

قدیم ترین کتابی که ذکر از عمر خیام نموده چهار مقاله عروضی سمرقندی معاصر خیام بوده و در سال ۵۰۶ هجری در بلخ در مجلس انس به خدمت او رسیده است و در سال ۵۳۰ هجری در نیشابور قبر او را زیارت کرده و دو حکایت را که درباره عمر خیامی ذکر می کند صحیح ترین و قدیم ترین مأخذهای ترجمه حال اوست.

بعد از چهار مقاله، قدیم ترین اثری که نامی از عمر خیام در آن برده شده است در اشعار خاقانی شروانی است که به صحیح ترین گفته ها در سال ۵۹۵ هجری وفات یافته است. وی در یکی از قصیده های خود می گوید:

زان عقل بدو گفت که ای عمر عثمان
هم عمر خیامی و هم عمر خطاب

بعد از اشعار خاقانی، شیخ نجم الدین ابوبکر رازی معروف به دایه در کتاب مرصادالعباد که به سال ۶۲۰ هجری تألیف شده است به تقریبی ذکر از عمر خیامی آورده است و در پایان می گوید: و آن عمر خیامی است از غایت حیرت و ضلالت این بیت می باید گفت:

در دایره ای کامدن و رفتن ماست
آن را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می نزد می درین عالم راست
کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست
هم چنین:

دارنده چو ترکیب طابع آراست
باز از چه قیل فکند اندر کم و کاست
گر زشت آمد پس این صور عیب کراست
ور نیک آمد خرابی از بهر چراست

بعد از مرصادالعباد قدیم ترین کتابی که ترجمه حال از عمر خیامی منعقد ساخته است کتاب نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ حکماء المتقدمین و المتأخرین. شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری است که در بین سال های ۵۸۶ هجری و ۶۱۱ هجری تألیف شده است و دو روایت از کتاب او موجود است که یکی به زبان فارسی می باشد. بعد از شهرزوری بر حسب ترتیب زمانی ابن اثیر در کتاب کامن الثواریخ که در سال ۶۲۸ هجری تألیف شده در ذیل حادشه های سال ۴۶۷ هجری در ضمن بیان واقعه زنج منکته می

قدیم ایران است. کیسه هر چهار سال یک بار اجرا می‌شود (کیسه رباعی) ولی در هر ۳۳ و یا ۲۹ سال یک بار کیسه پس از ۵ سال اجرا می‌گردد (کیسه خماسی). روز اول سال جلالی روزی است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز وارد برج حمل شود (و به عبارت دیگر شروع سال جلالی مطابق است به ظهر روز و روز خورشید در برج حمل) و با این قرارداد سال جلالی، به عکس سال مسیحی (تقویم بولیایی و بعد تقویم گریگوری) که در هر ده هزار سال نزدیک سه روز با سال خورشیدی اختلاف پیدا می‌کند، همیشه با سال خورشیدی مطابقت دارد و آن را می‌توان دقیق‌ترین تقویم جهان دانست. (۴)

هم‌چنین در این سال تأسیس رصدخانه‌ای برای ملکشاه انجام گردید و گروهی از اعیان منجمان همانند عمر بن ابراهیم خیامی و ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و چندتن دیگر در انجام این امر عمل کردند. به طوری که ابن‌سیر نوشته است (۵) هزینه این کار بس گران بود و مالی بسیار خرج آن شد و رصدخانه تا سال ۴۸۵ هجری

منجمان معروف آن زمان ر مأمور اصلاح سال و ماه ایرانی کرد. نتیجه این اصلاح را «تاریخ جلالی» می‌نامند که آغاز آن نابر مشهور دهم رمضان سال ۴۷۱ هجری (۱۶ مارس ۱۰۷۹ میلادی) بود که روز اول حمل (فروردین) را نوروز مقرر داشتند. از آن تاریخ نوروز هنگام حلول خورشید در نیمه حوت (اسفند) بود و آنچه این منجمان انجام دادند مبدأ تقویم‌ها شد.

تقویم جلالی، تقویمی است خورشیدی (که تقویم خورشیدی فعلی ایران بر همان اساس است) مبدأ این تقویم روز جمعه نهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری (مطابق با ۱۵ مارس سال ۱۰۷۹ میلادی) و اول فروردین سال ۴۵۸ هجری خورشیدی بر حسب تقویم کنونی ایران) است. سال جلالی از اول بهار (نوروز سلطانی) آغاز می‌شود و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ (و در سال‌های کیسه ۶) روز اضافی به دنبال ماه دوازدهم است (که در حال حاضر یک روز به آخر هر ماه ششم ماه اول سال خورشیدی یعنی از فروردین تا شهریور اضافه شده است). نام ماه‌ها همان نام‌های

که توسط عمر بن ابراهیم خیامی و چندتن از منجمان بزرگ قرن ششم هجری انجام گرفته است از او نام می‌برد. سپس قاضی اکرم جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی در کتاب تاریخ حکماء که در بین سال‌های ۶۲۴ تا ۶۴۶ هجری تألیف شده است درباره عمر خیامی امام خراسان شرحی آورده است. بعد از او زکریا محمد بن محمود قزوینی در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد که در سال ۶۷۴ هجری تألیف شده است در ذیل نیشابور از خیام سخن رانده است. (۲) بعد از آثار البلاد قدیم‌ترین کتابی که ذکری از عمر خیامی می‌نماید جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که در سال ۷۱۸ هجری کشته شده است و داستان دوستی و هم‌شاگردی نظام‌الملک و خیام و حسن صباح را بیان داشته است (که بنا به دلایل ارائه شده در ورق‌های پیش مورد تأیید نیست).

خفته در زیر فرشی از برگ شکوفه

به طوری که نوشته اند (۳) ملکشاه سلجوقی در سال ۴۶۷ هجری خیامی (خیام) و عده‌ای از

ساختمان یک سرمایه ملی است آجران یزد

تولیدکننده انواع آجر سفال ۴-۳/۵ و ۵ سانت و لب‌گرد

هدف ما: بهترین کیفیت - مناسبت‌ترین قیمت

تعهد ما: ضمانت مرغوبیت - تحویل به موقع

افتخار ما: استفاده از بهترین مواد اولیه ایران و بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته آلمان

آجران یزد

همیشه یک قدم جلوتر در کنار شما

فقط به نمایندگی‌های مجاز در سراسر کشور که دارای کد می‌باشند مراجعه نمایید.
دفتر مرکزی: یزد میدان ساعت مارکار - شرکت یزد گنبد

فاکس: ۶۶۲۶۴۸ تلفن: ۶۶۹۰۶۶-۶۶۱۴۱۶-۵۹-۶۶۰۰۵۹-۳۵۱.

دفتر تهران: ۲۲۵۲۶۴۸-۲۲۵۷۸۷۸-۲۲۵۷۸۶۲-۹۱۱۲۱۳۳۸۶۲

به نشان آجران یزد توجه کامل داشته باشید

که ملکشاه، جهان را بدرود گفت دایر بود، پس از وفات او از میان رفت.

وفات حکیم عمر خیام را غالب مصفان اروپایی و ایرانی در سال ۵۱۷ هجری نوشته‌اند، بروکلیمان در تاریخ علوم عرب در سال ۵۵۱ هجری ذکر می‌کند، ولی سند موثقی برای هیچ یک از این دو تاریخ بدست نیست. در هر صورت از چهار مقاله واضح می‌شود که وفات او در بین سال‌های ۵۳۰ هجری که نظامی قبر او را در نیشابور زیارت کرده چند (چهار) سال از وفات او گذشته بوده بدین ترتیب می‌توان به احتمال سال وفات او را سال ۵۲۵ یا ۵۲۶ هجری دانست. (۶) اکنون عین نوشته نظامی عروضی از نظر سند در اینجا نقل می‌شود:

«در سنه ست و خمسمايه «۵۸۰ هجری» به شهر بلخ در کوی برده‌فروشان در سرای امیر ابوسعید جره خواجه امام عمر خیامی و خواجه امام مظفر اسفزاری نزول کرده بودند و بدان خدمت پیوسته بودم. در میان مجلس عشرت از حجة‌الحق عمر شنیدم که او گفت: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می‌کند»

مرا این سخن مستحیل نمود و دانستم که جنوبی گزاف نگوید. چنوسه ثلاثین (۵۳۰ هجری) به نیشابور رسیدم، چهار (۷) (چند) سال بود تا آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود و عالم سفلی از او یتیم مانده و او را بر من حق استادی بود. آدینه‌ای به زیارت او رفتم و یکی را با خود ببردم که خاک او به من نماید. مرا به گورستان حیره (جره) بیرون آورد و بر دست چپ گشتم، در پایین دیوار باغی خاک او دیدم نهاده و درختان امروز و زردآلو سر از باغ بیرون کرده و چندان برگ شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایت که به شهر بلخ از او شنیده بودم گریه بر من افتاد که در بسط عالم و افطار ربع مسکون او را هیچ جای نظیری نمی‌دیدم، ایزد تبارک و تعالی جای او در جنان کناد، بمنه و کرمه...» (۸)

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی که در عصر خیام می‌زیسته و به محضر او رسیده و روایت‌هایی از وی در تمه صوان‌الحکمه آورده است، از امام محمد بغدادی، داماد عمر خیامی، این مطلب را نقل می‌کند:

«حکیم، الهیات شفا را مطالعه می‌کرد. چون به فصل واحد و کثیر رسید خلایلی میان کتاب

گذاشت و گفت: «جماعت را بخوان تا وصیت کنم» چون اصحاب گرد آمدند، وصیت کرد و به نماز برخاست. دیگر چیزی نخورد و نیشامید تا نماز خفتن بگذاشت و به سجده رفت و در سجده چنین گفت: «اللهم انی عرفتك علی مبلغ امکانی فاغفر لی فان معرفتی ایاک وسیلتی الیک».

مضمون عمده رباعی‌های خیام شک و حیرت و توجه به مرگ و فنا و تذکار اغتنام عمر است.

یعنی: خداوند! به قدر امکان خود ترا شناختم، مرا بیامرز، چه معرفت من تنها راه من بود به سوی تو. آنچه از مصنفات عمر خیام باقی است یا آنکه مورخان ذکر کرده‌اند بدین شرح است:

۱- رساله‌ای در جبر و مقابله که مهم‌ترین تألیف وی در ریاضیات است که آن را به نام قاضی القضاة ابوطاهر تدوین کرده است. این رساله در سال ۱۸۵۱ میلادی توسط (فرانسوا پکته) به زبان فرانسوی ترجمه و تفسیر شده و همراه با متن عربی آن به چاپ رسیده است. دکتر غلامحسین مصاحب آن را به فارسی ترجمه کرده است. این ترجمه همراه با رساله‌های دیگر از خیامی (خیام) و بحث در آنها در سال ۱۳۳۹ خورشیدی توسط انجمن آثار ملی ایران در کتاب «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر» به چاپ رسیده است.

۲- رساله فی شرح مائشکل من مصادرات کتاب اقلیدس که در کتابخانه لیدن در هلند محفوظ است.

۳- زیچ ملکشاهی که خیام یکی از مؤلفان آن

بوده است.

۴- مختصری در طبیعات.

۵- رساله‌ای در وجود که به زبان پارسی است و آن را به نام فخرالملک بن مؤید تألیف نموده است. این رساله در موزه بریتانیا در لندن موجود است و عنوانش در نسخه مذکور چنین است: «رساله بالعجمیه لعمر بن الخیام فی کلیات الوجود».

۶- رساله در کون و تکلیف. این سه رساله اخیر را شهرزوری به او نسبت داده است.

۷- لوازم الامکنه.

۸- رساله فی الاحتیال معرفة الذهب و الفضة فی جسم مرکب منهما، که در کتابخانه گوته در آلمان محفوظ است.

۹- رساله مسمی به لوازم الامکنه در فصول و علت اختلاف هوای بلاد و اقلیم.

این دو رساله اخیر در تاریخ الفی به او نسبت داده شده است.

۱۰- نوروژنامه، رساله‌ای به فارسی در بیدایش جشن نوروز و واضح آن و آداب شاهان ایران در این جشن.

۱۱- رباعیات عمر خیام: که قبلاً در مورد آنها توضیح دادیم.

علامه دهخدا در حاشیه مطالب مربوط به خیام نوشته است که از شاگردان خیام فینسوف، محمد ایلاقر و حکیم علی بن محمد حجازی قانی و علامه شهید عبدالله بن محمد میانجی است. نظریه‌های عمر خیام نیشابوری برای اصلاح تقویم حتی از تقویم فعلی اروپا که موسوم به تقویم گریگوری است صحیح‌تر می‌باشد. چه تقویم گریگوری در طول ۲۳۲۰ سال یک روز خطا می‌کند و تقویم خیامی در ۳۷۷۰ سال یک روز خطا می‌کند.



۱- از سوک یعقوب لیت تا سقوط عباسان صفحه ۳۴۵ تا ۳۴۷

۲- رجوع شود به حواشی چهار مقاله.

۳- کامل ابن اثیر در ذیل حادثه‌های سال ۴۶۷ هجری.

۴- نقل از دائرةالمعارف فارسی مصاحب.

۵- کامل ابن اثیر در ذیل وقایع سال ۴۶۷ هجری.

۶- در کتاب مجمل فصیحی، تألیف فصیحی خوافی، که به سال ۸۴۹ هجری تألیف شده سال مرگ خیام ۵۱۷ هجری است شده است، به تصحیح محمود فروخ خراسانی، جلد دوم، صفحه ۲۲۴.

۷- چهارده سال (رفع).

۸- چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی به تصحیح محمد فروزینی و به کوشش دکتر محمد معین، صفحه ۱۰۰ تا ۱۰۱.